

# بررسی تاثیر سطح تحصیلات بر درآمد خانوار در مناطق شهری و روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹

مجری  
مجید آقایی

همکاران  
علی‌رضا زاهدیان  
فریده باقری



پژوهشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

تابستان ۱۳۹۱



به نام خداوند جان و خرد

## پیش‌گفتار

یکی از مباحث بسیار مهم در دهه اخیر جهان بحث سرمایه انسانی است. سرمایه انسانی یا به عبارتی کیفیت نیروی کار و یا دانش نهادینه شده در انسان، باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی کشورها می‌گردد. با توجه به نقش سرمایه انسانی در افزایش رشد اقتصادی و درآمد خانوار، بررسی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف این اثرگذاری در خانوارهای ایرانی حایز اهمیت است و شناسایی اینکه آیا سرمایه انسانی در ایران توانسته است باعث افزایش رشد اقتصادی و در نتیجه افزایش درآمد خانوارها شود، موضوعی است که می‌تواند سیاستگذاران جامعه را در رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مورد نظر در آینده یاری کند. به همین منظور در این مطالعه کوشش شده است تا با توجه به آمارهای موجود در طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران، شاخص‌های سرمایه انسانی استخراج گردد و تاثیر این شاخص‌های سرمایه انسانی بر درآمد سرپرستان خانوار طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. این پژوهش در گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار با همکاری آقای مجید آقایی به عنوان مجری طرح، آقای علی‌رضا زاهدیان (رئیس پژوهشکده آمار) و خانم فریده باقری (عضو هیات علمی پژوهشکده آمار)، به عنوان همکاران اصلی طرح به انجام رسیده است که بدین وسیله از زحمات یکایک این همکاران تقدیر و تشکر می‌شود.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول : کلیات .....
۱	مقدمه .....
۳	۱-۱- ضرورت انجام تحقیق .....
۴	۲-۱- بیان مسأله تحقیق .....
۵	۳-۱- اهداف تحقیق .....
۵	۴-۱- سوالات تحقیق .....
۶	۵-۱- فرضیه‌های تحقیق .....
۶	۶-۱- روش گردآوری اطلاعات .....
۶	۷-۱- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات .....
۶	۸-۱- جامعه آماری تحقیق .....
۶	۹-۱- دوره زمانی تحقیق .....
۷	فصل دوم : مبانی نظری تحقیق .....
۹	۱-۲- سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی .....
۹	۲-۱-۱- سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش .....
۱۰	۲-۱-۲- سرمایه‌گذاری در آموزش عالی .....
۱۱	۳-۱-۲- ذخیره یا سرمایه تندرستی .....
۱۱	۲-۲- سرمایه انسانی و اجزای آن .....
۱۴	۱-۲-۲- تولید سرمایه انسانی .....
۱۶	۲-۲-۲- ویژگی‌های سرمایه انسانی .....
۱۷	۳-۲- سرمایه انسانی در مقایسه با سرمایه فیزیکی .....
۱۸	۴-۲- جایگاه سرمایه انسانی در توسعه اقتصادی .....
۲۱	۵-۲- تأثیر سرمایه انسانی بر درآمد .....
۲۷	فصل سوم: یافته‌های تحقیق .....
۲۷	مقدمه .....
۲۷	۱-۳- بررسی وضعیت سرمایه انسانی در مناطق شهری .....

۲۸	۳-۱-۱- بررسی وضعیت سواد سرپرستان خانوار در مناطق شهری
۳۲	۳-۱-۲- بررسی میزان تحصیلات سرپرستان خانوار در مناطق شهری کشور
۳۸	۳-۱-۳- تعداد افراد باسواد در هر خانوار در مناطق شهری کشور
۴۱	۳-۲- بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و درآمد سرپرستان خانوار
۴۵	۳-۳- رابطه بین سطح سواد و دهک‌های مختلف درآمدی
۵۲	۳-۴- ارتباط بین میزان تحصیلات سرپرست خانوار و دهک درآمدی
۶۱	۳-۵- وضعیت سرمایه انسانی در استان‌های کشور
۸۶	۳-۶- بررسی وضعیت سرمایه انسانی در مناطق روستایی کشور
۸۶	۳-۶-۱- بررسی وضعیت سواد سرپرستان خانوار در مناطق روستایی
۹۱	۳-۶-۲- بررسی وضعیت سطح تحصیلات سرپرستان خانوار در مناطق روستایی
۹۷	۳-۶-۳- بررسی وضعیت تعداد افراد باسواد موجود در خانوار در مناطق روستایی
۹۹	۳-۷- بررسی ارتباط بین سرمایه انسانی و درآمد سرپرستان خانوار در مناطق روستایی
۱۰۵	۳-۸- رابطه بین سواد و جایگاه سرپرستان خانوار دهک‌های مختلف درآمدی در مناطق روستایی
۱۱۰	۳-۹- بررسی ارتباط بین میزان تحصیلات سرپرستان خانوار و دهک درآمدی در مناطق روستایی
۱۴۶	۳-۱۰- بررسی میزان هزینه‌ها و سطح سواد در مناطق روستایی و شهری کشور
۱۵۲	۳-۱۱- خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۵۵	منابع و مأخذ

# فصل اول

## کلیات

### مقدمه

نظریه‌های جدید رشد اقتصادی، فن‌آوری درون‌زا را در تشریح الگوهای رشد اقتصاد جهانی مطرح می‌سازند. طبق این نوع مدل‌ها که به نام مدل‌های رشد درون‌زا معروف هستند و توسط رومر<sup>۱</sup> ارائه شده‌اند نوآوری فناورانه در بخش سرمایه انسانی و تحقیق و توسعه باعث افزایش ذخایر علمی خواهد شد. ذخایر علمی نیز در تولید کالاهای نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به افزایش نرخ رشد تولید می‌انجامد. محور اساسی در این نوع مدل‌ها، نوآوری داخلی است که محرک رشد پایدار قلمداد می‌شود و به این دلیل است که سرمایه انسانی و فعالیت‌های تحقیق و توسعه در مدل‌های رشد درون‌زا مورد بررسی قرار می‌گیرند (Romer, 1994). اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی و درآمد به این شکل تحلیل می‌گردد که انباشت بیشتر سرمایه انسانی باعث توسعه نوآوری شده و افزایش نوآوری نیز باعث افزایش دائمی تولید ناخالص داخلی می‌گردد. افزایش تولید ناخالص داخلی در جامعه نیز باعث بهره‌مندی اقشار مختلف جامعه از منافع تولید شده و در افزایش درآمد خانوارها می‌تواند تاثیرگذار باشد (Hisham El-Osta, 2011).

مطالعات انجام شده قبلی نشان داده است که رشد بلندمدت اقتصادی و افزایش درآمد کشورها همبستگی بالایی با سطح درآمد اولیه آن کشورها نداشته است و پائین بودن موجودی سرمایه فیزیکی نیز تنها عامل پائین بودن رشد اقتصادی این کشورها نبوده است، در حالی که افزایش رشد اقتصادی و درآمد کشورها همبستگی بالایی با سرمایه انسانی، مخارج آموزشی و فعالیت‌های تحقیق و توسعه در کشورها داشته است (Carneiro and Heckman, Mankiw, Romer & Weil, 2003).

---

<sup>۱</sup> Romer, 1994

با توجه به مطالعات انجام شده قبلی و تجربه سایر کشورها، می‌توان سرمایه انسانی را یکی از عوامل مهم اثرگذار بر درآمد افراد بر شمرد. علی‌رغم گذشت بیش از یک دهه از مطالعات تجربی در زمینه اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی و درآمد، پاسخ دقیق این سؤال که سرمایه انسانی چیست، چگونه محاسبه می‌شود و چگونه انباشته می‌گردد، مشخص نشده است. اما نکته مبرهن این است که دانش و خلاقیت نهادینه در افراد را می‌توان سرمایه انسانی محسوب نمود که بخشی از آن ذاتی است و از طریق توارث به فرد منتقل می‌شود و بخشی دیگر اکتسابی است و از طریق مدرسه و خانواده فرا گرفته می‌شود. (کميجانی و علمی، ۱۳۸۴). در یک دهه اخیر مدیریت سازمان‌ها تشخیص داده‌اند که در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار و اثربخش، منابع انسانی از بالاترین اهمیت برخوردار می‌باشند. در دنیایی که دانش و ارتباط با مشتریان بیش از پیش اهمیت یافته است، سرمایه انسانی که نشان‌دهنده حجم دانش، مهارت‌های فنی، خلاقیت، و تجربه سازمان می‌باشد، اهمیت فزاینده‌ای یافته و به همین نحو نیروی کار نه به عنوان دارایی‌های هزینه بر بلکه به عنوان دارایی‌های مولد تلقی می‌شود. با توجه به نقش سرمایه انسانی در افزایش رشد اقتصادی و درآمد خانوار، بررسی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف این اثرگذاری در خانوارهای ایرانی حایز اهمیت است و شناسایی اینکه آیا سرمایه انسانی در ایران توانسته است باعث افزایش رشد اقتصادی و در نتیجه درآمد خانوارها شود، موضوعی است که می‌تواند سیاستگذاران جامعه را در رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مورد نظر درآینده یاری کند. به همین منظور در این مطالعه کوشش می‌شود تا با توجه به آمارهای موجود در طرح هزینه-درآمد خانوار، شاخص‌های سرمایه انسانی استخراج گردد و تاثیر این شاخص‌های سرمایه انسانی بر درآمد سرپرستان خانوار طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر این اساس این طرح در سه فصل سازماندهی شده است، در فصل اول به کلیات طرح و رئوس، در فصل دوم به مبانی نظری تاثیرگذاری سرمایه انسانی بر درآمد و نهایتاً در فصل سوم به بررسی و تجزیه و تحلیل آماری تاثیر شاخص‌های سرمایه انسانی بر درآمد سرپرستان خانوار در مناطق شهری و روستایی کشور طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ پرداخته می‌شود.



## ۱-۱ ضرورت انجام تحقیق

یکی از مباحث بسیار مهم در دهه اخیر جهان بحث سرمایه انسانی<sup>۱</sup> است. سرمایه انسانی یا به عبارتی کیفیت نیروی کار و یا دانش نهادینه شده در انسان، باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی کشورها می‌گردد. سرمایه انسانی اگر چه از زمان اقتصاددانان کلاسیک مورد بحث بوده اما آنچه در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است مدل‌سازی و ارائه الگوهای ملی از رشد و توسعه اقتصادی است که در آن‌ها سرمایه انسانی لحاظ شده باشد. با نگاهی به کشورهای نظیر ژاپن و آلمان، که منابع اقتصادی خود را طی جنگ جهانی دوم از دست داده بودند، در می‌یابیم که باید عواملی غیر از عوامل فیزیکی وجود داشته باشد تا بتواند این کشورها را به شکل امروزی قدرتمند ساخته باشد. لستر تارو در کتاب رویارویی بزرگ آورده است: «در قرن آینده اگرچه ممکن است آمریکا به لحاظ نیروی نظامی نیروی برتر دنیا باشد، اما از نظر اقتصادی ژاپن حرف اول را خواهد زد». آنچه این کشورها را به اینجا رساند، رشد اقتصادی بود اما نه رشدی که از عوامل فیزیکی حاصل شده باشد بلکه منابع انسانی و نیروی تفکر و خلاقیت بود که رشد سریع و به تبع آن توسعه را حاصل کرد. (حسین صادقی و همکاران، ۱۳۸۵)

از طرف دیگر می‌توان گفت توجه به درآمد و فکر کردن به فقر و ثروت، در دو قرن گذشته از زمان آدام اسمیت تا کنون رواج یافته است. با این‌که امروزه در هیچ‌جای جهان نشانی از فقر عمیق آن زمان یافت نمی‌شود و شکاف میان طبقات اجتماعی - اقتصادی بسیار کاهش یافته است، تحول فکری در برخورد با مسئله عدالت اجتماعی در قرن حاضر به صورت جدی شکل گرفته است. شرایط اقتصادی دیگر، تغییرناپذیر تلقی نمی‌شوند و تمایل جامعه به یکسان‌سازی استاندارد زندگی برای افراد رو به گسترش روزافزون گذاشته است. بهترین گواه این مدعا، ایجاد و توسعه طرح‌های متفاوت و فراگیر تأمین اجتماعی در تمام سطوح می‌باشد. اهداف توسعه هزاره نیز یکی دیگر از موارد بسیج فراگیر تمامی ملل و دولت‌های دنیا در رفع انواع بی‌عدالتی‌هاست. امروزه این تمایل عمومی که درآمد واقعی هر فرد، در حدی بالاتر از یک حداقل معلوم قرار گیرد، در کشورهای توسعه یافته تا حد زیادی جامه عمل پوشیده است. به دلیل اهمیت سرمایه انسانی در بهبود شرایط زندگی و رفع فقر،

---

<sup>1</sup> Human Capital

توسعه سرمایه انسانی و توزیع متعادل آن یعنی گسترش پوشش آموزش علوم و فنون از یک طرف و از طرف دیگر ایجاد زمینه‌های مناسب تقاضا برای مهارت‌ها، قسمت بسیار مهمی از هر گونه سیاست فقرزدایی را تشکیل می‌دهد (world bank, 2010). به عبارت دیگر می‌توان گفت یکی از راهکارهای افزایش درآمد خانوارها و کاهش فقر توجه و اهتمام بیشتر به بحث سرمایه انسانی در جوامع است. انباشت سرمایه انسانی با توجه به نقش و اهمیتی که در افزایش رشد اقتصادی و افزایش درآمد خانوارها و حرکت به سوی کاهش نابرابری خواهد داشت، شایسته کنکاش و بررسی بیشتر در کشور ایران می‌باشد. به همین منظور بررسی تاثیر سرمایه انسانی بر درآمد خانوارها در ایران ضرورت می‌یابد.

## ۱-۲ بیان مساله تحقیق

مدل‌های رشد و توسعه، قبلاً مبنای خود را بر این قرار داده بودند که نیروی کار فعال در فرآیند توسعه، از کیفیت برابر و همسانی برخوردار است، بنابراین فرض بر این بوده که هر نیروی کار مانند نیروی کار دیگر در بازدهی و تولید نقش یکسان و برابری را ایفا می‌کند. در مدل‌های اولیه رشد اقتصادی که منسوب به هارود<sup>۱</sup> و دومار<sup>۲</sup> است، نرخ رشد جمعیت از شاخص‌های تعیین کننده رشد محسوب می‌شود بدون آنکه بحث سرمایه انسانی مطرح باشد. اما با توجه به گذشت زمان و مشاهده تجربیات کشورها مشخص شد که این فرض صحیح نیست، بلکه مهارت‌ها، عادات، رفتار و دانش نیروی کار (یا به عبارت دیگر سرمایه انسانی) است که تعیین کننده اصلی در فرآیند تولید بوده و کمیت نیروی کار از اهمیت چندانی برخوردار نیست. دنیسون<sup>۳</sup> در مطالعه‌ای به بررسی حسابداری رشد برای کشور آمریکا پرداخت و به این نتیجه رسید که عوامل نیروی کار ساده و سرمایه فیزیکی نمی‌توانند رشد اقتصادی آمریکا را نشان دهند و لزوماً عامل یا عوامل دیگری نیز وجود دارد که بر رشد اقتصادی آمریکا موثر بوده است که از مهم‌ترین آنها سرمایه انسانی است. آزاوا<sup>۴</sup> مدل رشد نئوکلاسیک را با اضافه کردن سرمایه انسانی اصلاح کرد اما لوکاس<sup>۵</sup> این مدل را کامل و سرمایه

---

<sup>1</sup> Harrod, I. 1948

<sup>2</sup> Demar, E. 1946

<sup>3</sup> Denison, E. 1962

<sup>4</sup> Uzawa, H. 1965

<sup>5</sup> Loucas, R. (1998).

انسانی را به عنوان یک عامل اساسی تاثیرگذار بر رشد اقتصادی معرفی کرد. به همین دلیل است که در دهه‌های اخیر، نظریه‌های اقتصادی نیروی کار را یکسان و برابر در نظر نمی‌گیرند و تفاوت‌های بسیاری را برای نیروی کار قائل هستند. بنابراین امروزه نقش دو نیروی کار در تولید، برابر فرض نمی‌شود مگر آنکه از نظر سرمایه انسانی از کیفیت برابری برخوردار باشند. تشخیص اهمیت و میزان تاثیرگذاری سرمایه انسانی که نقش اساسی در رشد و توسعه جوامع ایفا کرده است، در توضیح چگونگی رشد تولید و افزایش درآمد خانوارها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و عامل بسیار مهمی جهت افزایش درآمد خانوارها در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. با توجه به اینکه کشور ایران نیز یکی از کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود و از طرف دیگر از معضل فقر و نابرابری درآمدی بین دهک‌های مختلف درآمدی رنج می‌برد، لذا بررسی و تجزیه و تحلیل میزان اثرگذاری سرمایه انسانی بر درآمد خانوارهای روستایی و شهری کشور می‌تواند در ارائه راهکارهای سیاستی برای سیاستگذاران مفید باشد.

### ۱-۳ اهداف تحقیق

در این مطالعه اهداف مورد نظر جهت بررسی تاثیر انباشت سرمایه انسانی بر درآمد خانوارها در ایران، عبارتند از:

- ۱- بررسی وضعیت شاخص‌های سرمایه انسانی در مناطق شهری
- ۲- بررسی وضعیت شاخص‌های سرمایه انسانی در مناطق روستایی
- ۳- بررسی تاثیر سرمایه انسانی بر درآمد سرپرستان خانوار در مناطق شهری و روستایی

### ۱-۴ سوالات تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق، این مطالعه به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

- ۱- سرمایه انسانی چه تاثیری بر درآمد سرپرستان خانوارهای روستایی در ایران دارد؟
- ۲- سرمایه انسانی چه تاثیری بر درآمد سرپرستان خانوارهای شهری در ایران دارد؟

## ۵-۱ فرضیه‌های تحقیق

با توجه به سوالات و اهداف تحقیق، فرضیه‌های زیر در این تحقیق مورد آزمون و بررسی قرار خواهند گرفت:

- ۱- افزایش بیشتر سرمایه انسانی باعث افزایش درآمد سرپرستان خانوارهای روستایی می‌شود؟
- ۲- افزایش بیشتر سرمایه انسانی باعث افزایش درآمد سرپرستان خانوارهای شهری می‌شود؟

## ۶-۱ روش گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص مباحث نظری و پیشینه مطالعات تجربی در این گزارش از روش‌های کتابخانه‌ای و اینترنت استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات آماری مورد نیاز در این تحقیق نیز از طرح آمارگیری از هزینه و درآمد خانوار طی سال‌های مختلف که توسط مرکز آمار ایران انجام شده است، گردآوری گردیده است.

## ۷-۱ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها و اطلاعات آماری در این تحقیق، تحلیلی - توصیفی است. بدین صورت که ابتدا شاخص‌های سرمایه انسانی موجود در طرح هزینه - درآمد خانوار استخراج و سپس ارتباط این شاخص‌ها با میزان درآمد سرپرستان خانوار در مناطق شهری و روستایی ایران مورد تجزیه و تحلیل و بررسی آماری قرار گرفته است. با توجه به نمودارها و جداول آماری ارائه شده کوشش شده است تا تاثیر سرمایه انسانی بر درآمد سرپرستان خانوار در ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گیرد.

## ۸-۱ جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق سرپرستان خانوار در مناطق شهری و روستایی می‌باشند.

## ۹-۱ دوره زمانی تحقیق

دوره زمانی مورد بررسی در این تحقیق سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ را در بر می‌گیرد.

# فصل دوم

## مبانی نظری تحقیق

### مقدمه

در دهه‌های اخیر موضوع سرمایه انسانی، محور بسیاری از تحولات نوین اقتصاد بوده و در تبیین مسائل مختلف اقتصادی نظیر تفاوت دستمزدها و حقوق‌ها به دلیل سن و شغل، ناموزونی بیکاری افراد ماهر و تنظیم مقررات شغلی توسط اتحادیه‌های کارگری و... نقش مهمی داشته است. نظریه سرمایه انسانی، در اثر تکامل و گسترش نظریات اقتصاددانان مختلف، در اوایل دهه ۱۹۶۰ مطرح شد (Chiswick, 2002) و بعدها توسط سایر اقتصاددانان علاقه‌مند به این گرایش دنبال شد. نتایج این بررسی‌ها باعث شد که برخی از آنان به تأیید و برخی نیز به انتقاد از نظریه سرمایه انسانی پردازند.

آنچه که امروزه اهمیت سرمایه انسانی و ضرورت توجه به آن را دو چندان کرده است، ارتباط بسیار نزدیک بین سرمایه انسانی و درآمد افراد است به طوری که جوامع با شاخص‌های سرمایه انسانی بالاتر نظیر تحصیلات، در شرایط مساوی، از درآمد بیشتری بهره‌مند می‌شوند. آموزش بالاتر، سبب ارتقاء سطح مهارت‌های افراد گشته که این امر تولید کالا و خدمات بیشتر و رشد اقتصادی سریع‌تر را به دنبال خواهد داشت. به علاوه تأثیر سرمایه انسانی بر تسریع فرایند انتقال تکنولوژی، آهنگ رشد اقتصادی را سریع‌تر خواهد کرد. همچنین سرمایه انسانی با کمک به تغییر و تحولات اجتماعی در بلندمدت، آزادی‌های فردی و اجتماعی را گسترش خواهد داد (نادری، ۱۳۸۰).

به طور کلی در خصوص مکانیسم ارتباط سرمایه انسانی با درآمد ملی می‌توان گفت، از یک طرف، تشکیل سرمایه انسانی به وسیله سرمایه‌گذاری‌های آموزشی به توانایی‌های بیشتر افراد منجر شده و باعث رشد تولید و افزایش درآمد ملی می‌شود و از طرف دیگر، درآمد بیشتر باعث رشد پس‌انداز (که منبع اصلی

تشکیل سرمایه است) می‌شود. با توجه به اینکه بهره‌وری کالاهای سرمایه‌ای با تنوع سرمایه‌های انسانی و افراد متخصص و مجرب رابطه دارد، با پیشرفت اقتصادی، جامعه به طور روزافزونی به افراد تحصیل کرده و آموزش دیده نیاز خواهد داشت. به این ترتیب سرمایه انسانی باعث رشد تولید و افزایش درآمد ملی می‌شود و افزایش درآمد ملی نیز باعث سرمایه‌گذاری‌های بیشتر سرمایه انسانی خواهد شد.

مینسر اعتقاد دارد که میزان آموزش کسب شده توسط فرد، منشأ اصلی قدرت تولید و درآمد او می‌باشد. هم‌چنین وی تأکید می‌نماید که آموزش بیشتر عامه مردم، به توزیع عادلانه‌تر درآمدها منجر خواهد شد و نشان می‌دهد که بازده سرمایه‌گذاری در آموزش به هیچ وجه از بازده سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی کمتر نیست (ساخاروپولوس، ۲۰۰۲).

سرمایه انسانی موجب می‌گردد تا بتوان از سرمایه‌های فیزیکی به صورت مناسب‌تری بهره‌برداری نمود. سرمایه انسانی در واقع مکمل سرمایه فیزیکی است و فقدان هر یک، از بازده اقتصادی دیگری خواهد کاست. در توضیح رشد اقتصادی گذشته جوامع پیشرفته صنعتی، سرمایه انسانی از نقش مهمی برخوردار بوده است. گفته می‌شود که سهم مهمی از رشد اقتصادی این کشورها ناشی از توسعه سرمایه انسانی آنها است. امروزه دیگر مسلم شده است که مهم‌ترین عامل تولید، نیروی انسانی کارآمد است. بهره‌مندی نیروی انسانی از قابلیت و کیفیت بیشتر، علاوه بر این که نقش عمده‌ای را در افزایش تولید ایفا می‌کند سبب استفاده گسترده‌تر از منابع فیزیکی و طبیعی می‌گردد. اکثر اقتصاددانان در این امر توافق دارند که آنچه در نهایت خصوصیت و روند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کنند منابع انسانی آن کشور است و نه سرمایه و یا منابع مادی آن. برای مثال فردریک هاربیسون<sup>۱</sup> معتقد است که:

«منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد، سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند در حالی که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند و از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند؛ سازمان‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند، به وضوح کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد» (زرورکی، ۱۳۸۵).

با توجه به تاثیر سرمایه انسانی بر کسب درآمد افراد جامعه، در این فصل از تحقیق به طور مختصر به سازو کار تاثیر سرمایه انسانی و تحصیلات و آموزش بر درآمد افراد اشاره خواهد شد.

---

<sup>۱</sup> - F. H. Harbison, 1971.

## ۲-۱- سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی

تحصیل علم و دانش چه از طریق آموزش (دبستان، دبیرستان، دانشگاه) و چه از طریق آموزش ضمن کار و خدمت، نمونه‌هایی از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به شمار می‌آیند. ئودور شولتز و گری بکر دو تن از اقتصاددانان معاصر هستند که تئوری سرمایه انسانی را از مراحل کلاسیک و ابتدائی خود به حالت پیشرفته و تحلیلی امروزی ارائه نموده‌اند. آنها نشان دادند که سرمایه انسانی نه تنها از طریق تراکم و انباشت آموزش و پرورش، بلکه از راه‌های بی‌شمار دیگری نیز بوجود می‌آیند. از متداول‌ترین انواع سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱- دبستان، راهنمایی، دبیرستان، مدارس فنی و حرفه‌ای و تحصیلات عالی

۲- آموزش‌های قبل از مدرسه

۳- آموزش‌های بعد از دانشگاه و فارغ‌التحصیلی

۴- مراقبت از تندرستی و بهداشت عمومی

۵- بدست آوردن اطلاعات کافی از عرضه و تقاضای کار و خدمات<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب فوق سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی را می‌توان به سه قسمت کلی تقسیم نمود.

## ۲-۱-۱- سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش

آموزش بسیار فراتر از یک فعالیت مصرفی است، به این مفهوم که رفتن به مدرسه فقط به منظور ارضاء و یا مطلوبیت شخصی نیست، بلکه برعکس، هزینه‌های شخصی و عمومی تحصیلات به منظور کسب ذخایر مولد که در انسان نهفته است، صرف می‌شود و این ذخایر مولد درآینده مولد خدمات جدید خواهند بود.

این خدمات، در آینده به شکل درآمد و توانایی برای خلق خدمات مختلف و ارضاء نیازهای مصرفی ظهور می‌یابند. تحصیلات مدرسه به عنوان سرمایه‌گذاری، به پس‌انداز طبقه پائین درآمدی می‌افزاید ولی در حساب‌های اقتصادی مربوط به درآمد ملی، این قلم به چشم نمی‌خورد، زیرا حساب‌های درآمد ملی فقط پس‌اندازهای اعلام شده توسط تشکیل سرمایه فیزیکی را شامل می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - عمادزاده، مصطفی، ۱۳۷۳

آموزش اساساً نوعی سرمایه‌گذاری برای تحصیل سود و ارضاء تمایلات آینده است. اشتباه بزرگی است اگر مخارج آموزش به عنوان مصرف جاری به شمار آید. این اشتباه از این جا ناشی می‌شود که آموزش در مدارس همانند کالاهای مصرفی فرض می‌شود و افزایش هزینه‌های عمومی مرتبط با افزایش جمعیت به عنوان هزینه رفاهی، در نتیجه این نوع هزینه‌ها، تحمیلی بر دولت به شمار می‌آید و این گونه نتیجه می‌شود که هزینه‌های این آموزش، منابع پس‌انداز را که می‌توانست به مصرف سرمایه‌گذاری برسد، کاهش می‌دهد، در حالی که نیروی انسانی با کیفیت بالا، تولید را بیش از پس‌انداز افزایش می‌دهد.

## ۲-۱-۲- سرمایه‌گذاری در آموزش عالی

تقاضای روزافزون جامعه برای توسعه دانشگاه‌ها و هزینه‌های رو به تزاید آن، مسئولان کشورهای در حال توسعه را بر آن داشته تا بار دیگر از صحت تخصیص منابع عظیم به آموزش عالی اطمینان حاصل نمایند. گرچه برای همه روشن است که دانشگاه قادر است پیش‌نیازهای اجتماعی و اقتصادی توسعه را به نحو احسن تأمین نماید، لیکن سیاستگذاران علاقه‌مندند تا از بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی مطمئن باشند و برای بودجه قابل توجهی که در این بخش اختصاص می‌دهند، توجیه اقتصادی در اختیار داشته باشند. از نظر اقتصادی، زمانی گفته می‌شود که یک طرح سرمایه‌گذاری قابل توجیه است که ارزش حال جریان درآمدهای حاصل از آن، بیش از ارزش حال هزینه‌های ناشی از طرح باشد، در چنین حالتی سرمایه‌گذاری دارای بازده اقتصادی است. آیا در مورد سرمایه‌گذاری‌های آموزشی چنین منطقی می‌تواند از عقلانیت برخوردار باشد؟

مطالعات بانک جهانی در این خصوص نشان داده است که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، در آموزش عالی دارای بازده اقتصادی است و شواهد آماری در ۵۰ کشور جهان نشان داده‌اند که نرخ اجتماعی بازده سرمایه‌گذاری در این بخش بین ۹ تا ۱۳ درصد در سال بوده است. این ارقام در مقام مقایسه با نرخ بازده اقتصادی سایر بخش‌ها قابل توجه است و موجب گشته تا سرمایه‌های بیشتری به این بخش اختصاص یابند، شایان توجه است که نرخ بازده صرفاً فایده‌های پولی ناشی از آموزش عالی را ارزیابی می‌کند، در حالی که دانشگاه‌ها خالق بسیاری از ارزش‌های دیگر فردی و اجتماعی‌اند که قابل تبدیل به پول نمی‌باشند.



## ۲-۱-۳- ذخیره یا سرمایه تندرستی

در تئوری سرمایه انسانی، وضعیت تندرستی هر فرد به عنوان یک «ذخیره» مورد نظر قرار می‌گیرد. این ذخیره سرمایه، تندرستی و سهم آن در ارائه خدمات تندرستی را شامل می‌شود که بخشی به صورت ذخیره اولیه در انسان بطور ذاتی وجود دارد و بخشی دیگر اکتسابی است. ذخیره مورد نظر در طی زمان تقلیل یافته و به ویژه در پایان عمر با نرخ بالایی کاهش می‌یابد. سرمایه‌گذاری ناخالص در نیروی انسانی، هزینه‌های ایجاد و نگهداری را شامل می‌شود. پرورش کودک، تغذیه، مسکن و خدمات درمانی افراد را می‌توان از جمله این نوع هزینه‌ها دانست. به خدماتی که سرمایه تندرستی ارائه می‌دهد، عنوان «زمان تندرستی»<sup>۱</sup> و یا «زمان آزادی از بیماری»<sup>۲</sup> که به کار، مصرف، فعالیت‌های تفریحی کمک می‌کند اطلاق می‌گردد. بهبود در تندرستی که باعث ازدیاد متوسط عمر افراد جامعه می‌شود و بدون تردید در بالابردن کیفیت جمعیت نقش مهمی دارد، کاربرد اقتصادی مطلوب این افزایش در طول عمر، بسیار فراگیر و گسترده است در حالی که اندازه‌گیری و رضایت افراد از افزایش طول عمر دشوار است. یوشر<sup>۳</sup> با تعمیم تئوری اقتصادی سعی نمود تا افزایش در مطلوبیت ناشی از افزایش طول عمر را معین نماید.

طول عمر بیشتر، انگیزه‌های اضافی برای تحصیل دانش بیشتر و سرمایه‌گذاری برای درآمدهای آینده را فراهم می‌آورد، والدین سرمایه‌گذاری بیشتری را برای فرزندان خود انجام می‌دهند و آموزش هنگام کار، بیشتر معمول می‌گردد. افزایش در سرمایه تندرستی و انواع دیگر سرمایه انسانی کارایی نیروی انسانی را بالا می‌برد. طول عمر بیشتر به سال‌های مشارکت نیروی کار می‌افزاید و کاهش «اوقات بیماری» را موجب می‌شود.<sup>۴</sup>

## ۲-۲- سرمایه انسانی و اجزای آن

از سرمایه انسانی تعاریف متعددی شده است که در این تحقیق به چند تعریف مختصر از آن بسنده می‌شود.

<sup>۱</sup>- Healthy Time

<sup>۲</sup>- Sickness – Fee - Time

<sup>۳</sup>- Usher

<sup>۴</sup>- متوسلی، محمود، ۱۳۸۲

«سرمایه انسانی، سرمایه‌های مولدی است که در وجود انسان‌ها جمع شده است این سرمایه‌ها شامل مهارت‌ها، توانایی‌ها، اندیشه‌ها، سلامتی و غیره است که ناشی از سرمایه‌گذاری در آموزش و برنامه‌های کارآموزی و مراقبت‌های پزشکی است»<sup>۱</sup>.

در تعریف دیگر از سرمایه انسانی بیان داشته‌اند که: «سرمایه انسانی، ارتقاء و بهبود ظرفیت تولیدی افراد می‌باشد»<sup>۲</sup>.

این تعریف از جنبه‌ای گسترده و از جنبه‌ای دیگر محدود است، به عبارت دیگر تعریفی جامع و مانع نیست. گستردگی تعریف بر این جهت است که فرقی بین افزایش ظرفیت ناشی از سرمایه‌های فیزیکی، تکنولوژی، سازمان و تشکیلات و افزایش ناشی از بهبود کیفیت نیروی کار که غیرقابل انفکاک از انسان است، مانند افکار و افعال او، قائل نشده است. محدود بودن تعریف نیز به این جهت است که افزایش در قدرت کسب درآمد، لذت بردن، تفاهم با هم‌نوع و رجحان‌های برتر در انتخاب مصرف که به افزایش ظرفیت تولید مربوط نمی‌شود در تعریف گنجانده نشده است.

همچنین می‌توان گفت که سرمایه انسانی عبارت است از: علم و دانش، مهارت و تجربه، توان و قابلیت‌ها و نهایتاً نظم و انضباطی که توسط آموزش و پرورش در نیروی کار یک جامعه ذخیره می‌شود و سبب افزایش بهره‌وری کار آنان در تولید می‌گردد. تشکیل سرمایه انسانی عبارت است از سرمایه‌گذاری آموزشی در افراد به صورتی که دانش، مهارت و توان آنان توسعه یابد و موجب خلاقیت و کارآئی آنان در مراحل استفاده از منابع تولید گردد.

مفهوم سرمایه انسانی برای هر فعالیتی که کیفیت بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و متعاقباً موجب رشد درآمد افراد گردد، اطلاق می‌شود. به علاوه می‌توان مفهوم سرمایه انسانی را به صورت ارتقاء و بهبود ظرفیت تولیدی افراد تعریف نمود.

تعریف گسترده‌تر بدین صورت است که برای تشکیل سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مالی بصورت مخارج تحصیلی و یا هزینه فرصت‌های از دست رفته به منظور ایجاد تغییر و تحولاتی در افکار و افعال افراد صورت می‌گیرد که از افراد تفکیک‌ناپذیر است و آنها را قادر می‌سازد تا ((چیسویک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲)):

<sup>۱</sup> - مایکل تودارو، ۱۳۷۸

<sup>۲</sup> - عمادزاده، مصطفی، ۱۳۸۲

۱- کمیت و کیفیت کالاها و خدمات تولید را افزایش دهند.

۲- درآمدهای بالاتری بدست می‌آورند.

۳- درآمدهای خود را عاقلانه‌تر خرج کنند.

۴- لذت و رضایت بیشتری از زندگی داشته باشند.

اهمیت سرمایه انسانی به عنوان یکی از منابع توسعه اقتصادی از مدت‌ها پیش وارد مباحث اقتصادی شده است. همانطوری که قبلاً بیان شد، آدام اسمیت اولین اقتصاددان کلاسیکی است که مهارت را به عنوان یکی از عوامل اساسی که تفاوت دریافتی و بهره‌وری را توضیح می‌دهد معرفی می‌کند. در دهه ۱۹۶۰ افرادی مانند بکر (۱۹۶۴)، شولتز (۱۹۶۱) و مینسر (۱۹۷۴ و ۱۹۶۳) در مطالعات خود نشان دادند که آموزش، از طریق دستمزد نیروی کار، بر روی رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. در ادامه مطالعات نظری، رومر (۱۹۸۶) و لوکاس<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) با رویکردی متفاوت از الگوی رشد سولو - سوان<sup>۳</sup>، سرمایه انسانی را به عنوان یک متغیر درون‌زا وارد الگوهای رشد کردند. این پژوهشگران بر نقش آموزش در ارتقای قابلیت نوآوری افراد و نیز سازگاری با فن‌آوری‌های جدید به منظور سرعت بخشیدن به توسعه تکنولوژیک تأکید کردند.<sup>۴</sup>

چارچوب اساسی تحلیل سرمایه انسانی توسط بکر نظریه‌پردازی و ارائه شد. وی علاوه بر انجام حجم بالای کارهای تجربی، روشی نظام‌مند برای دستیابی به نتایج و استنباط‌های جدید سرمایه انسانی ارائه نمود. او در راستای مبانی نظری شولتز، کارهای خود را حول مفهوم نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در آموزش گسترش داد و اعتقاد داشت که افراد تا زمانی که نرخ نهایی بازدهی آنها با هزینه فرصت منابع برابر باشد به سرمایه‌گذاری در آموزش و کسب مهارت ادامه می‌دهند (بکر، ۱۹۹۲). مطابق نظریه سرمایه انسانی، افراد به منظور گسترش دانش و مهارت خود از راه‌های متفاوت بر روی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. در مقابل هزینه این گونه سرمایه‌گذاری‌ها، بهره‌وری و بازدهی افراد افزایش یافته و سبب ایجاد انگیزه در آنان برای سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش می‌شود. طرفداران نظریه سرمایه انسانی معتقدند که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی افزایش کارایی و بهره‌وری افراد را در پی دارد، اما در خصوص اینکه چه قسمتی از انواع

<sup>۱</sup>- Chiswick

<sup>۲</sup>- Rober E., Lucas

<sup>۳</sup>- Solow & Swan

<sup>۴</sup> زروکی، شهریار، ۱۳۸۵

سرمایه‌گذاری این وظیفه مهم را انجام می‌دهد اتفاق نظر وجود ندارد، به طوری که به اعتقاد شولتز و همراهان او، آموزش‌های رسمی محور بحث است در حالی که، در تحلیل‌های بکر، به آموزش‌های ضمن کار نیز تأکید می‌شود و افرادی مانند لوکاس بر انباشت سرمایه انسانی از طریق «یادگیری هنگام کار»<sup>۱</sup> تأکید ورزیده‌اند. بنابراین، وسعت دیدگاه اقتصاددانان در زمینه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، منجر به اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های متفاوت از جانب آنان می‌شود، به طوری که بررسی و تحلیل تفاوت‌های دریافتی افراد، به مینسر (۱۹۵۸) برمی‌گردد. او تفاوت در درآمد افراد را به میزان سرمایه‌گذاری عقلایی و یا انتخاب آزاد آنان بر روی خود می‌داند. مدل مورد استفاده وی، مبنای بسیاری از مطالعات دو - سه دهه اخیر بوده است. نتایج این مطالعات بیانگر آن است که افراد، به منظور حداکثر نمودن ارزش فعلی دریافتی خود در طول زندگی، به طور عاقلانه بر روی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. (سانگ، ۲۰۰۴)

بطور کلی می‌توان بیان داشت که ارتقاء و بهبود ظرفیت مولد افراد، ناشی از بهبود کیفیت نیروی کار آنان می‌باشد. ظرفیت افراد، استعدادها و توانایی‌های بالفعل آحاد جامعه می‌باشد.

ظرفیت مولد افراد، آن بخشی از ظرفیت افراد است که بر افزایش تولید جامعه اثر می‌گذارد که این اثرگذاری یا به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم (اثرات خارجی) می‌باشد. بهبود ظرفیت، ظرفیت افراد که به صورت بالفعل وجود دارند را بهبود بخشیده و به تعبیر دیگر، آن بخش از ظرفیت افراد که در اثر عوامل مختلف مستهلک می‌شود را جبران می‌نماید.

## ۲-۲-۱- تولید سرمایه انسانی

به‌طور کلی، می‌توان گفت، توانایی‌ها و قابلیت‌های نهادینه شده در وجود انسان، چه جسمی و چه فکری و ذهنی سرمایه انسانی نامیده می‌شود. در این مفهوم سرمایه انسانی جزئی از مفهوم وسیع‌تر سرمایه غیرقابل لمس یا سرمایه فکری است. طبق این تعریف بعمل آمده سرمایه انسانی دارای دو بعد جسمی (یا مادی) و فکری است. بعد مادی با سرمایه‌گذاری در تغذیه، بهداشت و درمان و ورزش ایجاد و بعد فکری در اثر نهادینه شدن دانش به وسیله آموزش و یادگیری تجربی در انسان حاصل می‌شود. دانش به دو طریق تجربی و آموزش، در سه مرحله و سه سطح در وجود انسانی نهادینه می‌شود و سرمایه انسانی را بوجود

---

<sup>۱</sup>- Learning by Doing

<sup>۲</sup>- Song,2004